

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- واکاوی قصاص به عنوان سیاست جنایی سرکوبگرانه اسلام / سید محمد حسینی دره صوفی
- واکاوی سیاست اجرایی اسلام در جرم سرقت / سید علی شاه احمدی
- ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم / غلام رضا حسینی
- عدم بطلان اجاره در صورت فوت یکی از متواجریین / سید رضی قادری
- مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا / محمدرسول احمدی
- وظایف مرد در برابر همسر از نگاه قرآن و روایات / سید مهدی نقوی
- ارتباط با امام زمان (عج) در عصر غیبت / سید اسدالله حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسٹ: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰،۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهرقائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی
العالمیه. قم.



سال سوم، پائیز ۱۴۰۲، شماره ۱۰

مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا

محمدرسول احمدی^۱

چکیده

تجسم اعمال از مهم‌ترین بحث‌های است که با سرنوشت حیات ابدی انسان گره خورده است. این بحث نشان می‌دهد که انسان مسئول تمام اعمال و کردار خود در دنیا و آخرت است. اینکه تجسم اعمال چیست باید گفت: تجسم اعمال، آشکار شدن اندیشه، گفتار و کردار و افعال و رفتار انسان در روز رستاخیز است. تجسم اعمال انسان با روش توصیفی و تحلیلی در اندیشه عرفانی مولوی و فلسفی ملاصدرا مورد پژوهش قرار گرفته است؛ زیرا تبیین دیدگاه عرفانی و فلسفی دو اندیشمند بزرگ اسلامی در مورد تجسم اعمال انسان بدین صورت مطرح نشده و لازم است بیان شود و به زوایای مختلف آن پرداخته شود. در نتیجه تجسم اعمال اعم از ثواب و عقاب به انواع و اشکال مختلف برای انسان در روز قیامت آشکار می‌گردد که در اندیشه مولوی و ملاصدرا بر اساس منابع قرآنی و روایی با رویکرد عرفانی و فلسفی مطرح شده است؛ اگرچه دیدگاه مولوی بیشتر در قالب ابیات شعری است.

واژگان کلیدی

تجسم اعمال، محشر، معاد جسمانی، مولوی، ملاصدرا.

۱. دانش آموخته دکترای فلسفه اسلامی، جامعه المصطفی

۱. مقدمه

تجسم اعمال انسان در روز قیامت از مهم‌ترین دغدغه انسان است که با سرنوشت و حیات ابدی آن آمیخته و درهم‌تنیده است که در کلام و فلسفه و عرفان اسلامی و همچنین در آیات و روایات مورد بحث واقع شده است. منظور از تجسم اعمال، ظاهر شدن اندیشه، گفتار و کردار و افعال و رفتار انسان در روز رستاخیز است. در اینجا تجسم اعمال از منظر مولوی و ملاصدرا به صورت مقایسه مطرح و به زوایای مختلف آن پرداخته شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال مطرح شده است که تجسم اعمال از دیدگاه این دو اندیشمند بزرگ اسلامی چیست و چگونه قابل مقایسه است. هدف از این تحقیق تبیین و مقایسه اندیشه این دو دانشمند از زوایای مختلف با روش توصیفی و تحلیلی است که تا حال به این صورت مورد بحث و مقایسه قرار نگرفته است به همین جهت لازم است که مورد تحقیق و پژوهش قرار گیرد. البته تبیین این موضوع از منظر عرفان مولوی بیشتر در قالب ابیات شعری بیان شده است ولی از منظر فلسفه ملاصدرا در قالب نظم و اصول فلسفی از جمله بر اساس و مبانی معاد جسمانی مطرح شده است. در نهایت مقایسه تجسم اعمال و افکار و کردار از دیدگاه عرفان مولوی و فلسفه ملاصدرا انجام شده است.

۲. مفهوم شناسی

انسان موجودی است که مختار آفریده شده است و در برابر تمام رفتار و کردار و اعمال خود در دنیا و آخرت پاسخگو است. همان‌طور انسان در انجام دادن بعضی افعال بد در دادگاه و محاکم دنیا مورد بازخواست قرار می‌گیرد و در برابر کار خوب مورد تکریم و پاداش قرار می‌گیرد. همچنین در آخرت نیز در برابر اعمال و رفتار خود مورد عذاب و ثواب قرار می‌گیرد از آنجایی که در دنیا به همه امور و کارهای انسان به صورت عادلانه رسیدگی نمی‌شود این اعمال و رفتار در آخرت در دادگاه عدل الهی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد تا ثواب و عقاب آن‌ها به صورت دقیق مشخص گردد. ممکن است انسان در دنیا برای دفاع از خود به دلایل مختلف حق دیگری را پایمال کند و با دروغ و زرنگی حق کسی را ندهد و تعلق کند اما در آخرت نمی‌تواند

از حقوق دیگران چشم‌پوشی کند. در آخرت قابل تعلق و اغماض نیست چون تمام اعمال و کردار او به‌صورت واقعی در نزد او مجسم و متصور می‌شود که از آن به تجسم اعمال یا تجسد اعمال تعبیر می‌شود. به همین جهت در کتاب‌های مختلف تعریف مشابهی از آن انجام شده است که به‌صورت مختصر به بعضی آن‌ها اشاره می‌شود: «تجسم اعمال: ظاهر شدن اندیشه، گفتار و کردار انسان در رستاخیز» (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ ش: ۱۷۹). به عبارت دیگر «در روز قیامت اعمال هر کس نصب العین او شده و به صور قبايح و یا زیبا نمودار می‌شود «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَاَيْدِيَهُمْ وَاَزْجُلِهِمْ بما كانوا يعملون» (قرآن، نور، ۲۴) و زشت کاران و نیکوکاران هر یک نتیجه عمل خود را که در دنیا انجام داده‌اند ببینند» (سجادی، ۱۳۷۹، ش: ۱۴۱) منظور از تجسم اعمال تحقق نتیجه آن در صقع جوهر نفسانی می‌باشد که علامه حسن‌زاده آملی در این مورد می‌گوید: «چون نتایج اعمال، ملکات قائم‌به‌ذات نفس بلکه عین گوهر و شئون و اطوار وجودی ذات نفس‌اند، از این معنی تعبیر به تجسم گردید یعنی چیزی که قائم‌به‌ذات خود است نه اینکه اعمال که اعراض‌اند با حفظ مرتبه دنیوی به اجسام منتقل گردند یعنی اجسام گردند چه اینکه تجافی مطلقاً محال است» (حسن‌زاده آملی، اتحاد عاقل و معقول، ۱۳۶۶: ۳۹۰). پس تجسم اعمال، آشکار شدن کردار و اعمال و رفتار و نیت انسان در عالم اخروی به انواع و اشکال مختلف اعم از ثواب و عقاب است که در برابر انسان مجسم می‌شود.

۳. تجسم اعمال در اندیشه مولوی

در اندیشه مولوی قیامت روزی است که هر امر مخفی و پوشیده‌ای ظاهر می‌گردد و حقیقت هر انسان آشکار می‌شود و به دادگاه عدل الهی با اعمال نیک، ثواب و پاداش داده می‌شود ولی با اعمال بدی که در دنیا انجام داده است به عذاب سخت و دردناک گرفتار می‌شود. در چنین روزی هر انسانی به‌واسطه اعمال و کردار و رفتار و نیت خودشان ظاهر و آشکار می‌گردند. همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «یوم تبلی السرائر» (قرآن، الطارق، ۹) در آن روز اسرار پنهان انسان آشکار می‌شود. مولوی در ابیات مثنوی می‌گوید:

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| هم ز خود هر مجرمی رسوا شود | روز محشر هر نهان پیدا شود |
| بر فساد او به پیش مستعان | دست و پا بدهد گواهی با بیان |
| لب بگوید من چنین پرسیده‌ام | دست گوید من چنین دزدیده‌ام |
| فرج گوید من بکردستم زنی | پای گوید من شده‌ستم تا منی |
| گوش گوید چیده‌ام سوء الکلام | چشم گوید کرده‌ام غمزه حرام |
| که دروغش کرد هم اعضای خویش | پس دروغ آمد ز سر تا پای خویش |

(مثنوی معنوی، پنجم، ابیات: ۲۲۱۱-۲۲۱۷).

در روز محشر هر راز پنهانی ظاهر و آشکار می‌شود و هر گناه‌کاری بدون عوامل بیرونی به وسیله شهادت اعضاء و جوارح خودشان رسوا می‌شود؛ زیرا دست و پاهایش به جرم و گناه او در پیشگاه عدل پروردگار بر علیه او شهادت می‌دهد. دست از کیفیت دزدیدن گواهی می‌دهد لب از لذت ارتباط و بوسیدن با نامحرمان سخن می‌گوید. پای انسان از رفتن به سوی آرزوهای باطل شهادت می‌دهد. فرج به انجام زنا و اعمال نامشروع و حرام گواهی می‌دهد. چشم به دیدن چیزهای حرام گواهی می‌دهد گوش می‌گوید به سخن چینی و دزدیدن سخنان دیگران گوش داده‌ام. پس سراسر وجود چنین انسانی دروغ است چون همه جوارح و اعضای او بر علیه او یکی یکی گواهی و شهادت دادند. لازم است به این نکته اشاره شود که منظور از این قطعه بیت (روز محشر هر نهان پیدا شود): اشاره به این آیه قرآن کریم دارد: «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (قرآن، طارق، ۹) و همچنین به این آیه اشاره دارد: «تَكَلَّمْنَا أَيَّدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (قرآن، یس، ۶۵) (ر. ک. شهیدی، ۱۳۷۳: ۹ / ۳۲۹).

بر اساس اندیشه مولوی در چنین روزی تمام اعمال زشتی و زیبای انسان برای او مجسم و متصور می‌شود که انسان آن را مشاهده می‌کند. به عبارت دیگر در چنین روزی و تمام اعمال و نیات خوب و بد او به انواع و اشکال مختلف مانند حیوان و درندگان و خزندگان و... آشکار می‌شود و بر چهره‌ای او مجسم و متصور می‌گردد. به همین دلیل مولوی برای اعمال بد، مثال به گرگ و خوک و مانند آن در ابیات خود ذکر نموده است و برای اعمال خوب به نماز و روزه و امثال آنان مثال آورده است. مولوی در این مورد می‌گوید:

ز آنکه حشر حاسدان روز گزند
حشر پر حرص خس مردار خوار
زانیان را گند اندام نهان
گند مخفی کان به دلها می‌رسید
بیشه‌ای آمد وجود آدمی
در وجود ما هزاران گرگ و خوک
حکم آن خوراست کان غالب‌تر است
سیرتی کان بر وجودت غالب است

(مثنوی معنوی، دوم، ابیات: ۱۴۱۸-۱۴۱۲)

بی‌گمان بر صورت گرگان کنند
صورت خوکی بود روز شمار
خمر خواران را بود گند دهان
گشت اندر حشر محسوس و پدید
بر حذر شوزین وجود آر ز آن دمی
صالح و ناصالح و خوب و خشوک
چونکه زر بیش از مس آید آن زر است
هم بر آن تصویر حشرت واجب است.

به‌طور قطع در روز قیامت اشخاص به شکل درنده مانند گرگ محشور می‌شود انسان حریصی که مردار خواری پیشه نماید در روز قیامت به صورت خوک محشور می‌شود. در روز قیامت عضو نهان زناکاران گندیده می‌شود و همچنین در روز قیامت دهان شراب‌خواران بوی بد و متعفن می‌دهد. آن بوی بدی که صاحبان آنان در دنیا از آن خبر داشتند ولی از نگاه دیگران پنهان بودند اما در روز محشر در نزد همه ظاهر و آشکار می‌شود. لذا از وجود چنین آدمی بر حذر باشید که این وجود مانند جنگل بزرگی و وحشتناک می‌باشد؛ زیرا در سریش و وجود انسان هزاران گرگ و خوک و صالح و ناصالح و خوب و بد وجود دارد. از سوی دیگر انسان با صفات غالب خود شناخته می‌شود و هر صفات و اخلاقی که بر سایر صفات و اخلاق دیگر بچربد بر آن غالب می‌شود و بر اساس آن ظاهر و آشکار می‌شود؛ مانند شمش طلای که همراه با ماده دیگر مانند مس مخلوط شده است ولی بیشتر این شمش طلا بوده است و بخش کوچک آن مس بوده است در این صورت به آن شمش طلا اطلاق می‌شود نه شمش مس. علامه جعفری در این مورد می‌گوید: «اخلاق و صفات درونی و اندیشه‌های اصلی و غالبی یک انسان، شکل او را در روز قیامت نشان خواهد داد و این جریان از موارد تجسم اعمال می‌باشد» (علامه جعفری، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

ملاهادی سبزواری در توضیح این قطعه از بیت (حشر پر حرص) می‌گوید: منظور از آن، آدم حریصی است که به صورت خوک محشور می‌شود؛ لذا بعضی از حریصان

به صورت خوک و بعضی به صورت خروس و بعضی به صور اقسام مور و غیر این‌ها محشور می‌شوند. چون صورت باید مناسب معنی باشد. در نتیجه روح آدمی که مانند روح حیوان حریص شد، صورتش نیز روز بروز مانند صورت آن حریص می‌شود؛ و اگر روح آن‌ها مانند سباع باشد، صورت آن‌ها نیز مانند آن باشد؛ و اگر روح آن‌ها بهایم باشد صورت آن‌ها نیز بهایم باشد. یا موزیات، صورت عقارب و حیات و مانند آن، باشد و قس علیها الباقیات. (سبزواری، ۱۳۷۵: ۱/ ۳۱۰)

مولوی در این ابیات به اندیشه و سیرت باطنی انسان در روز قیامت اشاره کرده است که در وجود مادی هرکسی نیت و بیشه باطنی آن آشکار می‌شود؛ به طور مثال حسود و حریص به شکل گرگ و خوک و... ظاهر می‌گردد. در حقیقت وجود انسان مانند جنگل عظیم در بیابان‌های وحشتناک این دنیاست که هرگونه حیوانات در آن‌ها زندگی می‌کند که و بیشه و نیت انسان نیز به صورت آنان آشکار می‌گردد. در روز قیامت اعمال و کردار و حتی نیت و اندیشه انسان به صورت خاصی مجسم می‌شود و انسان از مشاهده آن وحشتناک می‌گردد. آری روز قیامت روزی است که تمام اعضای بدن انسان بر علیه انسان شهادت می‌دهد و در آن روز چنین اعمال قابل انکار نیستند. همچنین مولوی در مورد مجسم شدن اعمال خوب انسان نیز اشاره کرده است و معتقد است که اعمال خوب انسان در دنیا موجب سعادت اخروی می‌شود و هر اعمال انسان مانند رکوع و سجود تبدیل به درخت و میوه بهشتی در آخرت می‌شود که انسان از وجود آن فیض می‌برد. مولوی در بعضی ابیاتش چنین فرموده است:

| | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| چون سجودی یا رکوعی مرد گشت | شد در آن عالم سجود او بهشت |
| چون که پرید از دهانش حمد حق | مرغ جنت ساختش رب الفلق |
| حمد و تسبیح نماند مرغ را | گر چه نطفه مرغ باد است و هوا |
| چون ز دست رست ایشار و زکات | گشت این دست آن طرف نخل و نبات |

(مثنوی معنوی، سوم، ابیات: ۳۴۶۰-۳۴۵۷)

هرگاه شخصی سجده و رکوعی را در پیشگاه خداوند متعال انجام دهد در عالم دیگری سجده و رکوع آن بهشتی می‌شود. هنگامی که از دهان شخصی حمد و

ستایش حضرت حق پرواز نماید، خداوند متعال حمد و ستایش او را مرغ بهشتی می‌سازد. البته این تشبیه معقول به محسوس است چون حمد و ستایش حضرت حق شبیه مرغ نیست اگرچه نطفه مرغ از باد و هوا است. «به اعتقاد قدما، پرندگان به هنگام آمیزش از طریق باد و هوا باردار می‌شوند؛ یعنی پرندۀ نر به پرندۀ ماده هوا می‌دمد و او را آبستن می‌کند. این عقیده عامیانه قدیمی را به حکمای یونان نسبت داده‌اند» (زمانی ۱۳۹۸: ۳/۸۸۳). کسی که زبانش به حمد و ستایش الهی مشغول است، با نفس خود یعنی به سبب حمد و ستایش خود در بهشت، پرندگان بهشتی ایجاد و خلق می‌کند همچنانکه پرندگان دنیای طبیعت (به‌زعم قدما) با دمیدن نفس و القای هوا ایجاد و خلق می‌شود. مولوی از یک عقیده عامیانه قدیمی، نتیجه عارفانه می‌گیرد (ر. ک. زمانی، ۱۳۹۸: ۳/۸۸۳). طبق این بیت مولوی هنگامی انسان ذکات را پرداخت کند خداوند متعال در قبال آن در جهان آخرت نخل و درخت برای انسان قرار می‌دهد. ابیات مذکور اشاره به این حدیث پیامبر گرامی اسلام (ص) دارد: «ورد عن النبی (ص): ان الجنة قاع صفصف. لیس فیها عمارة. فأكثرها من غراس الجنة فی الدنيا. قيل: یا رسول الله! و ما غراس الجنة؟ قال (ص): فهذه الجنة، ما فیها من الأشجار و الآنهار و الثمرات و غیرها (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱/۲۸۴). از رسول اکرم (ص) روایت شده است به درستی که بهشت زیر صف درختانی است در آن‌ها عمارتی نیست. پس درخت‌های بهشتی بیشتری را در دنیا بکارید. از پیامبر گرامی (ص) سؤال شد؛ نشانندن نهال بهشتی چگونه است؟ فرمود پس اینجا بهشت است یعنی دنیا بهشت است در این دنیا درخت‌ها و نهرها و میوه‌ها... بکارید که در آخرت و در بهشت تحقق پیدا خواهد کرد و به شما باز خواهد گشت یعنی اعمال خوب و بدی را که در دنیا انجام دادید به شما بازمی‌گردد. به عبارت دیگر اگر اعمال حسن و نیکو انجام دادید هم نتیجه آن در آخرت به شما برمی‌گردد اگر عمل بد و زشت را انجام دادید نیز به شما برمی‌گردد. منظور از درخت و میوه‌های بهشتی... انجام امور واجبات و مستحباتی است که انسان در این دنیا انجام می‌دهد؛ مانند این حدیث که از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است: «قال رسول الله (ص): من قال: «سبحان الله» غرس الله له بها شجرة فی الجنة. و من قال: «الحمد لله» غرس الله له بها شجرة

فِی الْجَنَّةِ. وَ مِنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الْجَنَّةِ. وَ مِنْ قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الْجَنَّةِ. ((قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲/ ۲۵۰). طبق حدیث مذکور برای گفتن هر کدام از اذکار فوق الذکر در بهشت دوزخ و نهال‌های نشانده می‌شود. در حدیث دیگری به این مضمون از رسول اکرم (ص) روایت شده است: «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِرَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا فِي حَائِطٍ لَهُ فَوَقَفَ لَهُ وَقَالَ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى غَرْسٍ أَثْبَتَ أَصْلًا وَ أَسْرَعَ إِيْنَاعًا وَ أَطْيَبَ ثَمْرًا وَ أَبْقَى قَالَ بَلَى فَدَلَّنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ لَكَ مِنْ ثَمَرِهِ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ وَ هُنَّ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ق: ۱۲/ ۵۰۶) رسول اکرم (ص) از جایی عبور می‌کرد به مردی برخورد (ملاقات) کرد که در حیاط خانه خود نهالی را می‌نشاند و پیامبر (ص) در نزدی مرد توقف کرد و گفت آیا نمی‌خواهی تورا به کاشتن درختی راهنمای کنم که اصلش ثابت باشد و به سرعت بار دهد و میوه‌اش اطیب و طاهرتر باشد از این باشد و همیشه برای تو باقی بماند آن مرد به رسول خدا (ص) عرض کرد مرا راهنمایی نمایید و حضرت محمد (ص) به او فرمود: اگر صبح و شام این اذکار را: (سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ) بگویند در مقابل هر تسبیح‌تان خداوند متعال ده درخت در بهشت با انواع میوه‌ها برای شما قرار می‌دهد که آن درختان و میوه‌ها از باقیات و صالحات می‌باشند. در حقیقت اعمال خوب انسان در مقابل انسان در آخرت به صورت نعمت‌های پایدار الهی خوب مجسم می‌شود. همان‌طور که اعمال بد انسان در مقابل دیدگان انسان به صورت اشکال بد و زشت مانند سنگ و خوک و... مجسم می‌شود. جلال‌الدین همایی در این مورد می‌گوید: «مولوی معتقد است که دنیا کشتزار آخرت است دنیا مزرعة الاخرة ثواب و عقاب آن جهان هر چه باشد محصول و نتیجه لازم اعمال و صفات خود بشر در این جهان است» (همایی، ۱۳۷۶: ۱/ ۱۴۲).

پس اعمال خوب انسان در جهان پس از مرگ نیز به صورت اشکال و انواع مختلف مانند اشجار میوه‌دار و... برای اشخاص ظاهر می‌شوند و اشخاص می‌توانند از آن‌ها استفاده نمایند در آخرت سعادت‌مند شوند. مولوی در این مورد در ابیات دیگرش نیز

این‌گونه اشاره نموده است:

| | |
|----------------------------|-------------------------------|
| جوی شیر خلد مهر تست و ود | آب صبرت جوی آب خلد شد |
| مستی و شوق تو جوی خمربین | ذوق طاعت گشت جوی انگبین |
| کس نداند چونش جای آن نشاند | این سببها آن اثرها را نماند |
| چار جوهم مر ترا فرمان نمود | این سببها چون به فرمان تو بود |

(مثنوی و معنوی، سوم، ابیات: ۳۴۶۱-۳۴۶۴)

آب صبر و بردباری اشخاص آب صاف جوی بهشتی است، مهر و محبت و عشق انسان به خداوند متعال، جوی شیر در بهشت است. به همین جهت ذوق طاعت و بندگی اشخاص نهر غسل گردید، مستی و شوق انسان به عبادت و پرستش الهی، نهر شراب بهشتی گردید. این بیت مولوی اشاره به مضمون این آیه قرآن کریم دارد: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» (قرآن، محمد، ۱۵) توصیف پاداشی که به متقین و پرهیزگاران، در بهشت وعده داده شده است، در آیه قرآن کریم چنین آمده است: که در آن بهشت موعود، نهرهایی از آب صاف و تمیز و خالص (بدون بوی بد) برای آن‌ها وعده داده شده است و همچنین در آن نهرهای از شیر که طعم آن تغییر نکرده باشد وعده داده شده است و همچنین در آن نهرهای از شراب لذیذ برای شرب‌کنندگان و خوردگان وعده داده شده است، نیز نهرهایی از عسل مصفا و گوارا برای آنان وعده داده شده است. همه این نهرها به اعمال و نیات و کردار انسان در دنیا بستگی دارد. اگر اعمال و کردار انسان طبق محتویات دین اسلام، خوب و نیکو بود دارای اجر و پاداشی است که در عالم آخرت به انسان داده می‌شود که خداوند متعال برای متقین چنین وعده را داده است و وعده الهی نیز قطعی است که هیچ شکی در آن وجود ندارد. حال لازم است ادامه توضیح ابیات مولوی بیان شود: این سبب‌ها یعنی عبادت و پرستش شباهت به آن نتایج یعنی نهرهای از شیر و عسل و... ندارد و هیچ‌کسی نمی‌داند که حضرت حق چگونه این نتایج را جایگزین آن سبب‌ها کرده است. از این جهت تمام این سبب‌ها در دنیا تحت فرمان انسان متقی و پرهیزگار بوده است؛ به همین دلیل در آخرت این چهار جوی و نهر که نتیجه تقوا و پرهیزگاری

است نیز مطیع فرمان انسان متقی است. مولوی در ابیات دیگرش اعمال انسان را به عرضی تشبیه می‌کند که در آخرت دارای صورتی است: وقت محشر هر عرض را صورتی است صورت هر یک عرض را نوبتی است

(مثنوی، دوم، بیت: ۹۶۳).

در روز محشر هر عرضی با صورت خودش حاضر می‌شود از سوی دیگر هر عرضی به نوبه خودش به صورتی آشکار می‌شود: «این بیت اشاره دارد به اینکه حشر خلاق بر صور اعمالشان خواهد بود» (کاشفی، بی تا: ۸۹). مولوی در این مورد در جای دیگری چنین می‌گوید:

| | |
|--------------------------------|------------------------------|
| جمله عالم خود عرض بودند تا | اندر این معنی پیامد هَلْ أتی |
| این عرضها از چه زاید از صور | این صور هم از چه زاید از فکر |
| این جهان یک فکرت است از عقل کل | عقل چون شاه است و صورتها رسل |
| عالم اول جهان امتحان | عالم ثانی جزای این و آن |
| چاکرت شاهها جنایت می‌کند | آن عرض زنجیر و زندان می‌شود |

(مثنوی معنوی، دوم، ابیات: ۹۷۷-۹۸۰)

مولوی معتقد است که عرض‌ها از صورت ایجاد می‌شود یعنی صورت‌ها باعث تحقق عرض می‌شود. صورت‌ها هم از فکر و اندیشه بشر ناشی می‌شود. این جهان یک اندیشه است که از عقل کل ناشی شده است؛ زیرا عقل مانند شاه و فرمانده است و صورت‌ها از فرستادگان او است. عالم اول که عالم دنیا است محل امتحان و آزمون است عالم دوم که عالم آخرت است عالم جزای اعمال است. اگر نوکر پادشاه جنایت کند این جنایت عرض است و عرض هم به صورت زنجیر و زندان آشکار می‌گردد.

این ابیات اشاره به مضمون این روایت دارد که رسول اکرم (ص) فرمود: «يَحْشُرُ عَشْرَةَ أَصْنَافٍ مِنْ أُمَّتِي بَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقِرْدَةِ وَبَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْخِنْزِيرِ...» (شعیری، بی تا: ۱۷۶) ده صنف انسان از امتم به اشکال مختلف ظاهر می‌شود بعضی به صورت قردة (بوزینه) بعضی به شکل خنزیر و... با توجه به این حدیث ظهور انسان

به چنین اشکالی ناشی از اعمال و کرداری است که در دنیا انجام داده است یعنی نتیجه و آثار اعمال انسان است.

۴. تجسم اعمال در اندیشه ملاصدرا

ملاصدرا هم مانند سایر فلاسفه و عرفای اسلامی اعتقاد به تجسم اعمال دارد و تجسم اعمال انسان را بر اساس اصول فلسفی خود بیان کرده است او معتقد به اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت است و تشخیص وجود نیز معتقد به حرکت جوهری و اتحاد عاقل و معقول است. نفس انسان بر اساس حرکت جوهری به مرتبه از کمال می‌رسد که بدن مادی را رها می‌کند و به واسطه مرگ به بدن برزخی منتقل می‌شود و از بدن برزخی به بدن اخروی منتقل می‌شود. در حقیقت اصالت انسان با وجود نفس است که در بدن انسان اعمال حاکمیت می‌کند در نهایت نفس انسان مسئول اعمال و رفتار خود می‌باشد. از سوی دیگر اعمال انسان در عالم آخرت برای نفس انسان مجسم می‌شود. همان‌طور که شخصیت و هویت وجود انسان در آخرت عین شخصیت و هویت وجود انسان در دنیا است اعمال و کارهای را که در دنیا انجام داده است نیز در آخرت به شکل خاصی مجسم می‌شود که در آینده در این مورد توضیح داده می‌شود. قبل از بیان این مطلب لازم است در اینجا معاد جسمانی از دیدگاه ملاصدرا به صورت مختصر بیان شود سپس در مورد حشر اعمال و کردار انسان در روز قیامت مطالبی بیان شود تا حقیقت مطلب به درستی روشن شود.

ملاصدرا در مورد معاد می‌گوید: «الحق أن المعاد في المعاد هو بعينه بدن الإنسان المشخص الذي مات بأجزائه بعينها، لا مثله، بحيث لو رآه أحد يقول، إنه بعينه فلان الذي كان في الدنيا» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۷۶). انسان در آخرت به شکلی محشور می‌شود که شخصیت وجود انسان در آخرت عین شخصیت و هویت وجود انسان در دنیا است، نه مثل آن. قبل از اینکه در این مورد مطالبی بیان شود لازم است اصولی را که ملاصدرا به عنوان مقدمه برای اثبات معاد جسمانی ذکر نموده است، بیان شود: ۱- اصالت وجود یعنی در هر شیء وجود اصیل است و ماهیت امر تبعی است. وجود هم اعم از خارجی و ذهنی است. حقیقت هر شیء هم به وجود

آن است.

۲- تشخیص هر موجودی به نحوه وجود آن است نه به ماهیت آن. به عبارت دیگر تشخیص و تمایز وجود به وجود خاصی آن می باشد

۳- طبیعت وجود دارای شدت و ضعف است نفس وجود بسیط است که تمایز آن به شدت و ضعف وجود بستگی دارد.

۴- وجود در حرکت جوهری دارای شدت و ضعف است چون وجود در جوهرش استحاله ذاتی است و همچنین اجزای حرکت واحد متصل است که حدود آن به وجود فعلی آن‌ها جدا جدا موجود نمی باشد بلکه کل مراتب موجود به وجود واحد موجود می شود.

۵- هویت هر موجود مرکبی به صورت آن است نه به ماده آن؛ به طور مثال انسان به سبب صورت انسانی انسان می باشد نه به سبب ماده آن؛ زیرا ماده قابل پذیرش هر صورتی است.

۶- وحدت شخصی در هر چیزی عین وجود آن است البته این وحدت شخصی وجود که عین وجود است در تمام چیز دارای یک مرتبه و یک درجه نیست بلکه متفاوت است مثلاً وحدت شخصی وجود مادی با وحدت شخصی وجود مجرد دارای یک درجه نیست وجود مادی محدود است ولی وجود مجرد محدودیت وجود مادی را ندارد؛ کمال وجود مجرد به مراتب بیشتر از کمالات وجود مادی است. مثلاً نفس انسان دارای وحدت شخصی وجودی است که درجه اش با وحدت وجودی مادی انسان تفاوت دارد.

۷- هویت بدن و تشخیص آن به نفس انسان است نه به جرم و ماده آن؛ زیرا وجود و تشخیص بدن به بادوام و حیات نفس محفوظ می باشد؛ و هرگونه تغییر و تبدل در اجزای بدن مادی زیانی به تشخیص نفس او نمی رساند، در حالیکه همه اعضای بدن مادی انسان در طول عمر در حال تغییر است. ولی هر تغییری که در اجزای بدن او ایجاد شود هویت و حقیقت آن محفوظ می باشد؛ به همین جهت در آخرت نفس انسان با بدن اخروی که نشأت دیگری از تبدل و تغییر اجزاست محشور می شود ولی هویت و حقیقت تشخیص آن محفوظ می باشد.

۸- قوه خیال امر جوهری است که قائم به ذات خودش است، در حالیکه مجرد از عالم طبیعی می باشد و بین عالم طبیعت و مجردات عقلی قرار دارد.

۹- هیچ یک از صور ادراکی در موضوع و محل خاصی نیست بلکه صور ادراکی قائم به نفس است مثل قیام معلول به علت که قیام صدور می باشد نه قیام حلولی.

۱۰- همان طور که صورت های مقداری و اشکال و هیئت های جرمی به مشارکت ماده از فاعل صادر می شود همچنین گاهی صورت های مقداری و اشکال و هیئت های جرمی بدون مشارکت ماده قابل از فاعل صادر می شود مثل وجود افلاک و اجرام فلکی و ستارگان که از مبادی عقلی صادر می شود.

۱۱- اگرچه اجناس عوالم و نشآت کثیر و بی حساب است چون همه عوالم دارای وجودی است که باهم مرتبط است ولی در صورت کلی عالم منحصر به سه عالم دسته بندی شده است عالم صور طبیعی که دارای کون فساد است دوم عالم صور ادراکی حسی که عالم وسط مجرد و ماده است سوم عالم صور عقلیه است. انسان با بقای هویت و تشخیص خود جامع هر سه عالم است که از ابتدای نوزادیش دارای وجود طبیعی است که در سیر و حرکت جوهری به مرحله نفس انسانی می رسد و سپس در این مرحله سیر می کند و با ریاضت های مشروع و تزکیه نفس به مرتبه وجود عقلی ترقی پیدا می کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ۹/ ۱۸۵-۱۹۷)

با توجه به این مقدمات و اصول مذکور: حشر انسان در روز قیامت با همین هویت و تشخیص دنیایی محشور می شود البته با بدن که مناسب با بدن یوم المعاد است، محشور می شود. در واقع نفس انسان با عین همان هویت و تشخیص بدن دنیایی در آخرت محشور می شود. نه با مثل آن. (ر. ک. صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۷۶). از سوی دیگر همان طوری که هویت و تشخیص وجود انسان اخروی با عین تشخیص و هویت دنیای در روز قیامت محشور می شود، اعمال و کردار انسان نیز به انواع مختلف محشور می شود. اگرچه انسان بر اساس فطرت هیولانی و نشئت حسی نوع واحد است ولی نفس انسان بر حسب آن چیزی که بدان صورت و فعلیت می گیرد و جوهر عقلی آن منفعل می شود و به آن قوام پیدا می کند و با کسب کمالات و ملکات نفسانی و علم و دانش از قوه به فعلیت می رسد به این اعتبار به اقسام مختلف تقسیم بندی و

مرتبه‌بندی می‌شود به همان شکلی که نفس انسانی فعلیت پیدا کرده است در آخرت محشور می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵/۱: ۲۸۷). ملاصدرا در این مورد می‌گوید: «فحشر الخلائق علی أنحاء مختلفة حسب أعمالهم و ملکاتهم» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵/۱: ۲۸۷). پس خلائق بر حسب اعمال و ملکاتشان بر انواع مختلف محشور می‌شود. ملاصدرا بعضی از انواع را در ذیل آیات قرآن کریم توضیح داده است: «فلقوم علی سبیل الوفد» «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» (قرآن، مریم، ۸۵) و «لقوم علی سبیل الورد» «وَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًا» (قرآن، مریم، ۸۶) و «لقوم علی وجه التعذیب» «وَيَوْمَ يَحْشُرُ أَعْدَاءَ اللَّهِ إِلَى النَّارِ» (قرآن، فصلت، ۱۸) و «لقوم» «وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا» (قرآن، طه، ۱۰۲) و «لقوم» «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (قرآن، طه، ۱۲۴) و «لقوم» «إِذِ الْأَعْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ» (قرآن، غافر، ۷۱). (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵/۱: ۲۸۷). اعمال و کردار انسان برای بعضی قوم به صورت وفد یعنی حضور با انس و دعوت و تکریم، محشور می‌شود. به همین جهت پرهیزکاران به صورت تکریم و احترام محشور می‌شود. دسته دیگری به صورت ورد محشور می‌شود یعنی مجرمین به سوی جهنم مانند شتران تشنه کامان برده می‌شود مانند مجرم در محضر حاکم. دسته دیگری به صورت تعذیب و عذاب محشور می‌شود مانند دشمنان خداوند که با آتش محشور می‌شود. دسته دیگری با بدن‌های تاریک و سیاه و مکدر محشور می‌شود. دسته به صورت کور محشور می‌شود. دسته دیگری به شکل محشور می‌شود که گردنشان در غل و زنجیر و پاهایشان با زنجیر بسته شده‌اند، به جهنم کشیده می‌شوند و در آتش می‌سوزند. به هر حال هر انسانی به سبب اعمال و کردار خودشان محشور می‌شوند. طبق آیه قرآن کریم «كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (قرآن، اسراء، ۸۴).

اما کسانی که اعمال شقاوت انجام داده‌اند و به دنیا روی آورده‌اند از مقامات آخرت رو برگردانده است، بر اساس همت‌های قاصر و فرورفته در برازخ و مراتع حیوانی که تعلق خاطر بر اغراض لذات و شهوات دنیایی گرفتار شده‌اند و تصورات آن‌ها که در تحصیل اغراض و امیال بهیمة و سبغیه به گونه مقصور و منحصر شده است که بر نفوس آن‌ها غلبه نموده است پس در قیامت به اشکال و صورت‌های

همان حیواناتی که متناسب با تصورات و ملکات نفوس آنان است محشور می‌شوند که قرآن کریم در این مورد می‌گوید: «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (قرآن، تکویر، ۵) به سبب همین اعمال و کردار بد است که به صورت خوک خنزیر و... محشور می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۸۸/۱). در حقیقت انسان بر اساس اعمال و نیت خود در قیامت محشور می‌شود. ملاصدرا در این مورد می‌گوید: «ان فی باطن کل إنسان و فی إهابه حیوانا إنسانیا بجميع أعضائه و حواسه و قواه و هو موجود الآن و لا یموت بموت البدن العنصری اللحمی بل هو الذی یحشر یوم القیامة و یحاسب و هو الذی یتاب و یعاقب. و حیاته لیست کحیاة هذا البدن عرضیة واردة علیه من الخارج و إنما حیاته کحیاة النفس ذاتیة و هو حیوان متوسط بین الحیوان العقلی و الحیوان الحسی یحشر فی الآخرة علی صور أعماله و نیاته» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۵: ۲۸۹-۲۸۸/۱)

در باطن و در قشر جلد جسمانی هر انسانی، حیوانی است انسانی که با تمام اعضا و جوارح و حواس و قوای خود بالفعل موجود است که با موت بدن عنصری در معرض موت قرار نمی‌گیرد بلکه در روز قیامت مورد محاسبه ثواب و عقاب قرار می‌گیرد. حیات آن مانند حیات این بدن امر عارضی از خارج عارض و وارد نشده است بلکه حیات آن مانند حیات نفس ذاتی است و آن حیوانی است که متوسط بین حیوان عقلی و حیوان حسی که در روز قیامت با اعمال و نیت خوشان محشور می‌شود. ملاصدرا در آثار دیگرش ذکر کرده است که انسان هر چیزی را که دوست داشته باشد بر اساس تصور صفت غالب در اعمال و کردارش، شبیه آن محشور می‌شود. ملاصدرا در این مورد می‌گوید: «حتی إنه لو أحب أحدکم حجرا یحشر معه و لما کان تکرر الأفاعیل یوجب حدوث الأخلاق و الملكات و لكل صفة و ملكة تغلب علی الإنسان یتصور فی الآخرة بصورة تناسبها» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۶۴۰) به عبارت دیگر هرکسی با نهایت سعی و تلاش و عمل و با نهایت قصد و نیت خود و همت توانای خود چیزی را که دوست دارد و مشتاق به او است محشور می‌شود: ملاصدرا در این مورد می‌گوید: «و بالجمله یحشر کل أحد إلی غایة سعیه و عمله و نهاية قصده و نیته و همته و ما یحبه و یشاق إلیه، «المرء یحشر مع من أحب» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۸۸) پس نیت و قصد و تصورات انسان نیز در حشر و نشر

انسان نقش دارد. البته حقیقت کیفیت و چگونگی حشر انسان در آخرت به صورت اشکال مختلف به این معنا نیست که هرکاری را که در این دنیا انجام دهد و با عین همان افعال محشور شود بلکه با نوع آثار و نتایج که بر آن اعمال و افکار غالب می‌شود و انسان دوست دارد و برای انجام آن تلاش کند محشور می‌شود لکن به این معنا نیست که با همان عین کارهای را که در دنیا انجام داده است در آخرت محشور شود. علامه مصباح یزدی نیز در این مورد می‌گوید: «بین اعمال ما و نتایج اخروی، یک رابطه علیت و بامعنای دقیق‌تر، رابطه عینیت است؛ اما نه به این معنا که عین همان کاری که انجام داده‌ایم با همان شکل و با همان ویژگی‌ها در آنجا، پیش روی ما خواهد آمد؛ مثلاً نه این‌طور است که اکنون که دلاوران نستوه ما که در نهایت پایداری و پایمردی و باکمال خلوص و ایمان، در جبهه‌های جنگ با دشمن کفر آیین می‌جنگند و جان شیرین و ارجمند را در این راه، به دوست‌اعلی می‌بخشند و خونشان چون شقایق بر سنگ و خاک جبهه شرف؛ می‌دمد؛ این همه در قیامت، عیناً، تمام لحظه‌ها و روزها و کارها و کشته شدن‌ها و کشتن‌ها عیناً، دوباره انجام خواهد شد؛ این چنین نیست، زیرا پاداش نخواهد بود، بلکه فیلمی بلند و طولانی است و تکراری که دیدن آن جز ملالت چیزی به بار نخواهد آورد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱-۳/۴۹۶) در نتیجه بین صورت اعمال و کارهای دنیوی و با صورت‌های عقاب و ثواب اخروی رابطه علی و عمیقی است به صورت دقیق قابل شناخت نیست ولی مرتبه از وجود در جهان اخروی است که با عالم دنیا برای بشر به صورت دقیق قابل شناخت نیست.

اعمال و کردار انسان به هر شکلی و صورتی که مجسم شود ناشی از موجودی است که در دنیا تحقق پیدا می‌کند که تشکیل دهنده آن عمل صالح و نیاتی است که در مسیر هدایت و مشیت الهی قرار می‌گیرد. یا تشکیل دهنده آن گناه و نیت بدی است که از وسوسه‌های شیطانی ناشی شده است. آیت‌الله جوادی آملی در این مورد می‌گوید: «در آخرت متن عمل فسق هر کس به او ارائه می‌شود. این ارائه به معنای ظهور عین صحنه فحشا و فسق جوارح یا جوانح دنیا نیست، زیرا عمل تنها به عامل متکی است، بلکه آنچه در دنیا بود در قیامت به گونه‌ای مناسب با آن نشئه ظهور

می‌کند که انسان یقین دارد مشهود وی عین عمل او در دنیاست. ظهور اخروی عمل به لحاظ خصوصیت نشئه دنیایی مانند عمل دنیایی نیست؛ لیکن به لحاظ نحوه‌ای از عینیت که بین این دو است، عین آن است و آنچه را که عامل می‌بیند عین کار اوست در دنیا و دیدن او نیز درست است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸/ ۳۵۰-۳۴۹) با توجه به اندیشه ملاصدرا اعمال انسان با اشکال مختلف در عالم قیامت در برابر انسان مجسم مصور می‌شود.

۵. مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا

مقایسه تجسم اعمال انسان از دیدگاه مولوی و ملاصدرا مورد بحث واقع شد و از زوایای مختلف بیان شد. حال لازم است که وجه مشابهت و مغایرت آن پرداخته شود؛ تا حقیقت مطلب به خوبی روشن شود:

۵-۱. وجه مشابهت

تجسم اعمال انسان در روز قیامت از دیدگاه هردو اندیشمند مورد پذیرش واقع شده است و برای اثبات آن، مطالب زیادی را ذکر نموده‌اند. هردو اندیشمند برای اثبات ادعای خودشان از منابع و متون دینی از جمله از آیات قرآن و روایات نمونه‌های را ذکر کرده‌اند که در آثار مختلفشان قابل مشاهده‌اند.

ظهور و آشکار شدن اعمال و کردار انسان به اشکال گوناگون از جمله مانند عقرب و خوک و... در روز قیامت مورد وفاق هردو دانشمند بزرگ اسلامی است. همچنین بر اساس دیدگاه آنان انسان مختار آفریده شده است و مسئول تمام اعمال و رفتار و کردار خود هم در دنیا و هم در عالم آخرت است. از سوی دیگر دنیا مزرعه آخرت است یعنی انسان هر اعمال و کرداری را که در دنیا انجام دهد به طور حتم در آخرت پاسخگو خواهد بود.

۵-۲. وجه مغایرت

تجسم اعمال و کردار انسان در عالم اخروی از منظر ملاصدرا بر اساس اصول و مبانی فلسفی اش مبتنی شده است که هم معاد جسمانی را اثبات کرده است و هم

تجسم اعمال را بر اساس معاد جسمانی بیان نموده است. اگرچه ملاصدرا هم معاد روحانی را قبول دارد و هم معاد جسمانی را؛ اما در عرفان مولوی تجسم اعمال و کردار انسان بر اساس و اصول فلسفی نیست بلکه بر اساس محتوای عرفانی است که در قالب متون ادبی بیان شده است که مبتنی بر یک اصول و ساختار خاصی نیست.

تجسم اعمال و معاد جسمانی در اندیشه فلسفی ملاصدرا با روش عقلی و فلسفی بیان شده است ولی در آثار مولوی با روش خاص فلسفی و عقلی نیست بلکه در قالب ابیات و اشعار عرفانی بیان شده است.

تجسم اعمال در نگاه ملاصدرا بر اساس معاد جسمانی محسور شدن هویت و تشخیص عینی است ولی در اندیشه مولوی محدود به هویت و تشخیص عینی نشده است چون بعضی ابیات به تجسم آثار گناه اشاره دارد و بعضی ابیات به تجسم عینی گناه اشاره دارد مگر اینکه قابل جمع باشد.

۶. نتیجه‌گیری

بحث تجسم اعمال در اندیشه عرفانی و فلسفی مولوی و ملاصدرا تا به حال به صورت مقایسه انجام نشده است لذا لازم است مورد بحث قرار گیرد و از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته شود.

تجسم اعمال در آثار مولوی از جمله در آثار مثنوی و معنوی مولوی در قالب اشعار به اشکال مختلف بیان شده است که نیازمند استخراج و استنباط است؛ اما تجسم اعمال در آثار ملاصدرا با اصول و مقدمات فلسفی بیان شده است که با استدلال برهانی و عقلی همراه است.

تجسم اعمال هم در اندیشه عرفانی مولوی و هم در اندیشه فلسفی ملاصدرا بیشتر بر اساس منابع دینی از جمله آیات قرآن و احادیث بوده است که در آثار آن مشهود است.

تجسم اعمال بحث مهمی است که گسترش آن در جامعه اسلامی بسیار مفید است؛ زیرا هنگامی که انسان متوجه شود که در برابر همه اعمال و کردار خود در عالم

اخروی هم پاسخگو است به طور یقین تأثیر در اخلاق و رفتار آن خواهد داشت و زندگی فردی و اجتماعی خود را اصلاح خواهد کرد و در مسیر هدایت الهی قرار خواهد گرفت در این صورت به سعادت اخروی خواهد رسید.

کیفیت و چگونگی تجسم اعمال در روز قیامت نیازمند پژوهش و تحقیق عمیقی دارد که چگونه می شود که اعمال و کردار و نیات بد و زشت انسان در دنیا، به شکل خوک و خنزیر و بوزینه و... در عالم آخرت مجسم می شود؛ و این ارتباط تجسم اعمال با اشکال انواع مختلف حیوانات و... چگونه شکل می گیرد. آیا خود اعمال و کردار مجسم می شود یا آثار آن مجسم می شود.

۷. فهرست منابع

قرآن

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶ش) فرهنگ شیعه، چاپ قم، زمزم هدایت، دوم.
۲. جعفری تبریزی، محمدتقی، (۱۳۸۹ه. ش) علل و عوامل جذابیت سخنان مولوی، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ چهارم.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۲۸۸)، تسنیم، ج ۸ (محقق و مصحح: واعظی محمدی، حسن)، قم، انتشارات اسراء، چاپ سوم.
۴. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۶۶ش) اتحاد عاقل به معقول، تهران، انتشارات حکمت، چاپ دوم.
۵. سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۵) شرح مثنوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۶. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹ه. ش) فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، چاپ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۷. شعیری، محمد بن محمد (بی تا) جامع الأخبار (لشعیری) نجف، مطبعة حیدریة، چاپ اول.
۸. شهیدی، جعفر (۱۲۳۷۳) شرح مثنوی، ج ۹، تهران، انتشارات علمی و

فرهنگی.

۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴) المبدأ و المعاد، چاپ تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰) أسرار الآیات، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۱۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۵) الشواهد الربوبية، ج ۱، چاپ بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳) مفاتیح الغیب، چاپ تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۸) الحکمة المتعالیة، ج ۹، چاپ قم، مکتبه المصطفوی.
۱۴. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸) تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، ۱۲، (محقق / مصحح: درگاهی، حسین)، چاپ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
۱۵. کریم زمانی (۱۳۹۸) شرح جامع مثنوی معنوی مولوی، ج ۳، چاپ تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ سی ام.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق) الکافی (ط- الإسلامیة) ج ۲، (غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد) چاپ تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱) معارف قرآن (۱-۳) چاپ قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) چهارم.
۱۸. مولانا جلال الدین، محمد بلخی (۱۳۷۲) مثنوی (ج ۱-۶) (محمد استعلامی) چاپ تهران، زوارنشر سیمرغ.
۱۹. مولانا کاشفی، ملاحسین (بی تا) لب لباب مثنوی، چاپ تهران، نشریات بنگاه افشاری چاپخانه شرکت مطبوعات.
۲۰. همایی، جلال الدین (۱۳۷۶) مولوی نامه (مولوی چه می گوید)، ج ۱، چاپ تهران،

Nasim Kowsar

Scientific Quarterly



- Analyzing retribution as a repressive criminal policy of Islam, in reducing crime
- Analyzing the executive policy of Islam in the crime of theft
- The capacity of jurisprudence in the birth of soft power
- Non-cancellation of lease in case of death of one of the lessees
- Comparison of the embodiment of deeds in the thought of Molavi and Mulla Sadra
- Duties of a man towards his wife in the Qur'an and hadiths
- Communication with Imam Zaman (AS) in the age of occultation